

امام‌شناسی با تکیه بر زیارت سرداب مقدس سامراء

حکیمه واعظ موسوی^۱

چکیده

باتوجه به تحلیل برخی از متون زیارت سرداب، شرط قبول اعمال انسان، پذیرش ولایت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است که صلاله و چکیده رسالت همه انبیا و هدف از خلقت ازل تا ابد زندگی زمینی است. همه انبیا درباره پیامبر آخرالزمان توصیه کردند و پیامبر صلی الله علیه و آله به دوازده جانشین معصوم خود درباره امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و آخرالزمان توصیه کرده است. تمام معصومین عجل الله تعالی فرجه الشریف به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف سفارش کرده‌اند؛ زیرا ولایت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ادامه خلیفه الهی خدا در زمین است، پس چون حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هم مقصد است و هم راه و همراه، همراهی و سلوک با ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف بر هر مسلمانی واجب است. یاران حضرت با چنین شناختی از ولی عصر زمان خود، وجود خود را در محضر ظهور باطنی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف قرار داده‌اند و امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف کعبه دل‌های آنهاست. بنابراین، توسط امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در اعمال خود چنین بنیان مرصوص عمل می‌کنند. ولایت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف جریان توحید در زمین است و هرکس از این مسیر خارج شود از توحید بازمانده است.

واژگان کلیدی: پذیرش ولایت، خلیفه الهی، سلوک با ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، صلاله انبیا، مرصوص.

۱. دانش پژوه کارشناسی ارشد مطالعات اسلامی، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه‌المصطفی العالمیه، قم، ایران.

۱. مقدمه

جایگاه سرداب، مکانی در سامراست که امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در پنج سالگی از این مکان غایب شد. مزار امام حسن عسگری علیه السلام، حکیمه خاتون عمه امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و نرجس خاتون مادر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در این مکان است. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف زیارت مخصوصی در این مکان دار که به زیارت سرداب معروف است. علامه مجلسی از شیخ مفید و شهید اول آن را نقل کرده است. (مجلسی، ۱۳۸۶، ۸۱/۹۹) اساتید و بزرگان بر انجام این زیارت هفته‌ای یک بار تأکید داشته‌اند؛ زیرا در تکمیل ایمان مؤثر است. چگونگی این زیارت در مفاتیح‌الجنان آمده است که از زیارت آل یاسین شروع شده و تا ذکر صلوات بر آن حضرت ادامه دارد. زیارت آل یاسین زیارتی است از ناحیه امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در پاسخ به نامه محمد جمیری نایب خاص حضرت. امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف فرمود: «هرگاه خواستید توسط ما به خدا و به سوی ما توجه کنید این زیارت را بخوانید» (طبرسی، ۱۳۸۶، ۴۹۲/۲). یکی از تعابیری که در زیارت سرداب در وصف یاران حضرت آمده است لفظ بنیان مرصوص است. در تحلیل واژه بنیان مرصوص باید گفت که این واژه در قرآن نیز به کار رفته است. قرآن می‌فرماید: «ان الله يحب الذين يقاتلون في سبيله صفا كأنهم بنیان مرصوص؛ به راستی خدا دوست دارد کسانی را که در راه او جهاد می‌کنند درحالی که چنان صف بسته‌اند که گویی آنان از بنیانی سربی ساخته شده‌اند» (صف: ۴). بنیان به معنی هرگونه بناست و مرصوص از ماده رصاص به معنی سرب است (به آنچه با سرب محکم شده باشد مرصوص می‌گویند). در گذشته گاهی برای محکم شدن بنا و یکپارچگی دیوارها سرب را آب کرده و در لابه‌لای قطعات سنگ و مانند آن می‌ریختند تا تمام فاصله‌ها را پر کند و مصالح بنا را به هم پیوند دهد. بنابراین، به هر بنای محکمی مرصوص می‌گفتند که اشاره به استحکام و یکپارچگی آن بود. درست است که آیه درباره پیکار نظامی و جهاد فی سبیل الله است که نیازمند نیروی علی حده و استقامت است و لفظ بنیان مرصوص بر آن دلالت دارد، ولی روشن است که این معنی در سایر مجاهدت‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی نیز جاری است؛ زیرا در این عرصه،



یکپارچگی، اتحاد و انس لازم است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷، ۴۹۹/۳). این آیه به استقامت، اتحاد و هم‌دلی مؤمنان در جد و جهد در راه خدا نیاز دارد.

کاربرد لفظ بنیان مرصوص در متن زیارت سرداب به معنای این است که هریک از یاران حضرت در عقیده و عمل صحیح راسخ هستند و درکنار دیگر یاران حضرت با تواسی و تعاون در کارهای خیر مانند سد محکمی درمقابل ظلمت و معاندین استقامت دارند (گویا مانند سرب، خلأهای یگدیگر را پرمی‌کنند). یاران حضرت در امور مربوط به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف که شامل انتظار فرج، معرفت‌افزایی، دعا برای فرج، خودسازی، مهیا کردن و زمینه‌سازی ظهور و... است باید مانند بنیان مرصوص یعنی، متحد، یک‌دست، یکپارچه و قوی عمل کنند. یکی از دلایلی که یاران امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را در اعتقاد محکم و در عمل، راسخ و ثابت قدم می‌کند شناخت ویژگی‌های امام است. در نوشتار حاضر برخی از ویژگی‌های مربوط به جایگاه حضرت از خلال متن زیارت سرداب واکاوی شده است. براساس متن زیارت و تطبیق آیات و روایات نشان داده شده است که امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف خودش سبیل خدا و جانشین خداست. شناسایی و شناساندن ایشان به دیگران، هدف رسالت همه انبیا بوده است و اعمال هیچ انسانی با انکار ولایت ایشان مقبول نمی‌شود.

۲. نکات مهم زیارت سرداب

۲-۱. امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف سبیل الله

در زیارت سرداب، امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف سبیل الله خطاب شده است: «السلام عليك يا سبيل الله الذي من سلک غيره هلك؛ سلام بر تو ای راه خدا که هرکس غیر راه تو را برگزید، هلاک شد». (قمی، ۱۳۸۶، ص ۶۰۱) با تدبر در مضامین آیه ۴ سوره صف و این بیان شریف در زیارت سرداب اهمیت و ضرورت چند مطلب به دست می‌آید:

- اهمیت و ضرورت کار برای ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف مانند کار برای ایشان کار برای خداست؛

اهمیت ارتباط‌گیری معنوی با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و به یاد حضرت بودن در تمام لحظات و سکنت؛ زیرا به یاد ایشان بودن و ارتباط‌گیری با ایشان عین تقرب به خداست. در متن زیارت آمده است: «سلام بر تو ای راه خدا که هرکس از غیر راه تو سلوک کند هلاک خواهد شد». سلوک به معنی منش و رفتار و درپیش گرفتن راهی است با اختیار (فرهنگ معین ذیل سلوک). معنای اصطلاحی آن طی مدارج خاص مانند مجاهدت، خلوت، ورع، صمت و ترک شهوت توسط سالک است تا به مقام وصل و فنا یا تقرب برسد (سجادی، ۱۳۷۰، ص ۲۲۵).

حرکت به سمت تقرب خداوند باید از سبیل خدا یعنی، امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف باشد و مسافری که باید طی طریق کند و سالک باشد باید راه بلد شود و کسی راه بلد نمی‌شود تا از مسیر و فرازها و فرودهای راه و موانع احتمالی و نزهتگاه‌های راه، شناخت کافی نداشته باشد. این شناخت حاصل نمی‌شود مگر به لطف و دستگیری خود امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف که هم مقصد است و هم مقصود، هم راه است و هم نهایت راه. هرچه رهرو راه بار اضافی خود را از تعلقات سبک‌تر کند بار معرفت او وزین‌تر شود و تقریب بیشتر و برعکس. مبدا در این راه با موانع گناهان، ادامه سلوک برای او مقدور نباشد و چه بسا رهروانی که با برخورد با موانع، توشه به زمین نهاده‌اند و از ادامه مسیر بازمانده‌اند. بنابراین، در راه سلوک با امام معصوم نباید پشت موانع ماند. باید از موانع گذشت و با گذشت از دنیای بی‌بها با توجه به بهای ماندگار به مقصد ولی خدا رسید.

۲-۲. امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف جانشین خدا

در ابتدای زیارت سرداب، جایگاه حضرت در قالب خلیفه خدا در زمین آمده است: «السلام عليك يا خلیفه الله و خلیفه آباءه المهديين؛ سلام بر تو ای جانشین خدا و جانشین پدران هدایت یافته‌ات». (قمی، ۱۳۸۶، ص ۶۰۱) شایستگی جانشینی حاصل نمی‌شود مگر اینکه شخص در تمام امور کسی که از او منصب جانشینی را دریافت کرده است دانا و توانا باشد و قادر باشد مانند او امورات را سروسامان دهد (اصفهانی، ۱۳۶۰، ص ۲۹۴). چون خداوند وجود کامل و بی‌نقصی است جانشین او هم باید وجود کامل و بی‌نقصی باشد تا از عهده امورات برآید. تعبیر: «انی جاعل فی الارض خلیفه» (بقره: ۳۰) امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را انسانی کامل و مقرب معرفی

می‌کند (واعظ موسوی، ۱۴۰۰) و چون کامل و مقرب است جایگاه هدایتگری به عهده اوست. در متن زیارت سرداب آمده است که تمام پدران ایشان هم هدایت‌گر بوده‌اند و ایشان جانشین پدران هدایت‌گر خود نیز است. قرآن می‌فرماید: «افمن یهدی الی الحق احق ان یتبع امن لا یهدی الا ان یهدی فمالکم کیف تحکمون؛ آیا آنکه به راه حق رهبری می‌کند سزاوارتر به پیروی است یا آنکه خود هدایت نیابد مگر آنکه هدایتش کند. پس شما را چه شده است. چگونه قضاوت می‌کنید» (یونس: ۳). این آیه تفاوت شأن هدایتگری اهل بیت علیهم‌السلام را با سایر مردم به تصویر کشیده است و با سؤالی که دعوت‌کننده مردم به تفکر است، می‌خواهد متذکر شود که اهل بیت علیهم‌السلام علومی را که دارند از معلم زمینی نیاموخته‌اند، بلکه معلم آنها خداست در صورتی که مردم عوام برای علوم خود نیازمند معلم هستند و همین تفاوت کفایت می‌کند که ایشان جانشین خداوند در زمین باشند و نه دیگران.

۳. امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌وآجل‌عذابه‌الشریف هدف بعثت انبیا

در زیارت سرداب آمده است: «السلام علیک یا وصی الاوصیاء الماضین؛ سلام بر تو ای جانشین اوصیای گذشته». (قمی، ۱۳۸۶، ص ۶۰۱) این نشان می‌دهد که همه انبیا مکلف به ولایت و حامل ولایت بوده‌اند و امت خود را به ولایت دعوت می‌کردند. روایت می‌فرماید: «وَلَايَتُهُ مَكْتُوبَةٌ فِي جَمِيعِ صُحُفِ الْأَنْبِيَاءِ وَلَنْ يَبْعَثَ اللَّهُ رَسُولًا إِلَّا بُنِيتُ بِهِ مُحَمَّدٌ وَوَصِيَّهُ عَلِيٌّ؛ ولایت علی علیه‌السلام در همه کتب انبیا نوشته شده بود و رسولی مبعوث نشده مگر به خاطر نبوت حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و وصی او امام علی علیه‌السلام» (کلینی، ۱۳۷۵، ۴۳۷/۱). اینکه خداوند به خواندن نام اهل بیت برای پذیرش توبه دستور می‌دهد ثابت می‌کند که هریک از انبیا در برهه‌ای مکلف به اقرار به ولایت بوده‌اند تا سیر و سلوکشان به سمت توحید کامل شود. متقی هندی از بزرگان و محدثان مورد قبول اهل سنت در کتاب کنز العمال به این مضمون اشاره کرده است: «حضرت آدم علیه‌السلام، حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اهل بیت او را به درگاه خدا واسطه قرار داد تا خداوند توبه او را بپذیرد. امام علی علیه‌السلام گفت: از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم پرسیدم: مقصود این آیه که خدا می‌فرماید: «فَتَلَقَّى آدَمُ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ» چیست. رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در پاسخ فرمود: «حضرت آدم علیه‌السلام مدت صدسال

به مناسبت خطایی که از وی سر زده بود، گریست، سپس خداوند جبرئیل را بر او نازل کرد و پیام خداوند متعال را به این شرح به حضرت آدم عَلَيْهِ السَّلَامُ ابلاغ کرد: مگر نه این است که تو را به دست لطف و قهر خود آفریدم. مگر نه این است که از روح خود در تو دمیدم. مگر نه این است که فرشتگانم را به سجده کردن بر تو دستور دادم. مگر نه این است که حوا را به همسری تو درآوردم. جبرئیل گفت: هرگاه بخواهی مشمول عنایت حق تعالی قرار بگیری و توبهات پذیرفته شود به خواندن کلماتی که اکنون بر تو تلقین می‌کنم، بپرداز تا خدای بخشنده و مهربان، توبه تو را بپذیرد و از گناهت [ترک اولی] درگذرد، خداوند را به محمد و آل محمد عَلَيْهِمُ السَّلَامُ قسم بده تا توبهات مورد قبول واقع شود» (الهندی، ۱۴۱۹، ۳۵۸/۲).

در حدیث دیگری آمده است که بعد از گریه حضرت آدم عَلَيْهِ السَّلَامُ به درگاه الهی، خداوند به او فرمود: «فَعَلَيْكَ بِهَؤُلَاءِ الْكَلِمَاتِ فَإِنَّ اللَّهَ قَابِلٌ تَوْبَتِكَ وَ غَافِرٌ ذُنُوبَكَ قُلِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ سُبْحَانَكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ عَمِلْتُ سُوءًا وَ ظَلَمْتُ نَفْسِي فَأَعْفِرْ لِي إِنَّكَ أَنْتَ الْعَفُورُ الرَّحِيمُ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ سُبْحَانَكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ عَمِلْتُ سُوءًا وَ ظَلَمْتُ نَفْسِي فَتُبْ عَلَيَّ إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ فَهَؤُلَاءِ الْكَلِمَاتُ الَّتِي تُلْقَى آدَمَ؛ پس بر تو باد که به این کلمات متوسل شوی. خدا گناهان تو را بیامرزد و توبه تو را بپذیرد. بگو خدایا به حق محمد و آل محمد تو منزهی و خدایی جز تو نیست. من اشتباه کردم و در حق خود ظلم نمودم. به درستی تو بخشنده و مهربانی، پس این کلماتی بود که به آدم القا شد». (مجلسی، ۱۳۸۶، ۶۶/۱۲) سیوطی بلافاصله بعد از درج این کلمات، روایتی از ابن عباس نقل می‌کند: «از رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ سؤال شد: منظور از کلماتی که به واسطه آنها توبه حضرت آدم پذیرفته شد، چه بود. حضرت رسول صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود: «سَأَلَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ وَ فَاطِمَةَ وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ، أَلَا تَبْتَ عَلَيَّ فَتَابَ عَلَيْهِ؛ اینکه خدا را به حق محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین بخواند تا خدا توبه‌اش را بپذیرد» (سیوطی، ۱۴۰۴، ۱۴۷/۱). صدوق رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ در خصال آورده است: «کلماتی که خداوند ابراهیم را به آن مبتلا نمود و آن را به‌تمام رساند میثاق بر ولایت همه اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ من جمله حضرت حجة بن الحسن عسکری بوده است» (صدوق، ۱۴۰۳، ۳۰۵/۱). در قسمت دیگری از

زیارت آمده است: «السلام عليك يا ميثاق الله الذي اخذه و وكدته؛ سلام بر تو ای میثاقی که خدا آن میثاق را از (ما) گرفته و بر آن تأکید کرده است». این نشان می‌دهد که این میثاق از همه انسان‌ها گرفته شده است و حتی براساس پذیرش این میثاق، انبیای اولوالعزم از انبیای غیر اولوالعزم بازشناخته شده‌اند (صفار، ۱۴۰۴، ۷۰/۱۰). بنابراین، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هدف رسالت تمام انبیای گذشته و به نتیجه رسیدن هدف خلقت خداوند از نظام جهان است.

۴. پذیرش ولایت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف شرط قبولی اعمال

در زیارت سرداب امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف مضمونی بیان شده که نشان می‌دهد شرط قبول اعمال انسان پذیرش ولایت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است که امتداد ولایت امام علی ع و نشانه تشیع اثنی عشری و تبعیت دقیق از اقوال و سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله است. در متن زیارت سرداب آمده است: «اشهد ان بولایتك تقبل الاعمال و تزكي الافعال و تضاعف الحسنات و تمحي السئات فمن جاء بولایتك و اعترف بامامتك قبلت اعماله و صدقت اقواله و تضاعفت حسناته و محيت سيئاته و من عدل عن ولایتك و جهل معرفتك و استبدل بك غيره كبه الله على منخره في النار؛ شهادت می‌دهم که به سبب ولایت تو اعمال قبول می‌گردد و افعال تزکیه می‌شود و نیکی مضاعف می‌گردد و بدی پاک می‌گردد. هرکس ولایت تو را بپذیرد و به امامت تو اعتراف کند اعمالش مقبول است و اقوالش مورد تصدیق است و نیکی‌های او بی‌شمار گردد و بدی‌های او از بین می‌رود و کسی که ولایت شما را نپذیرد و نسبت به معرفت شما جاهل باشد و به جای شما دیگری را بپذیرد خداوند او را با صورت به آتش می‌اندازد» (قمی، ۱۳۸۶، ص ۶۰). همین معنا که ولایت اهل بیت ع شرط پذیرش اعمال انسان است در منابع اهل سنت نیز آمده است و عواقب جبران ناپذیر عدم پذیرش ولایت حتی تا خروج از سبیل توحید ترسیم شده است. پذیرش ولایت امام علی ع باعث رضایت الهی و دخول در بهشت معرفی است. این مسئله نشان می‌دهد که ولایت معصوم ع راه و طریق توحید و سرباز زدن از ولایت معصوم ع ورود به خذلان الهی است. در فضائل الصحابه ابن حنبل آمده است: «اگر کسی به ولایت امام علی ع و فرزندان او تاقیامت اهتمام نداشته باشد اعمالش حبط و نابود است». روایت می‌فرماید: «مَنْ لَمْ يَأْتَمْ بِعَلِيٍّ وَ بِمَنْ

كَانَ مِنْ وُلْدِي مِنْ صَلْبِهِ إِلَى الْقِيَامَةِ فَأَوْلَيْتَكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ وَ فِي النَّارِ خَالِدُونَ» (شیبانی، ۱۴۰۳، ۵۹۹/۲). این روایت، ضرورت وجود حجت خدا را بر روی زمین و ضرورت استمرار واسطه فیض را در زمین از منابع اهل سنت ثابت می‌کند. همچنین نشان می‌دهد که برنامه زندگی براساس ولایت ولی الله باید تنظیم شود و اقرار ابن حنبل، عالم اهل تسنن را بر ولایت اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ ثابت می‌کند. حافظ بن سمان در امالی با سندش از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل می‌کند: «اگر بنده‌ای به اندازه عمر دنیا که هفت هزار سال است خدا را عبادت کند، سپس درحالی که بغض علی بن ابی طالب را دارد و حق او را انکار کند و ولایت او را نپذیرد و به سوی خدای عزوجل بیاید خدا خوبی او را نابود می‌کند و بینی او را می‌برد» (قرشی، ۱۴۰۷، ۱۰۷/۱).

۴-۱. منکر ولایت، شقی

در منابع اهل سنت آمده است که منکر ولایت امام علی عَلَيْهِ السَّلَامُ و معاند با او شقی است. از این روایات می‌توان نتیجه گرفت که منکر امام زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ الرَّحِيمِ نیز معاند و شقی است: «إِنَّ السَّعِيدَ كُلَّ السَّعِيدِ حَقَّ السَّعِيدِ مَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا فِي حَيَاتِهِ وَبَعْدَ مَوْتِهِ؛ بِهَدْرَسْتِي خُوشْبَخْتِ وَتَمَامِ وَكَمَالِ خُوشْبَخْتِي این است که شخصی علی را در زمان حیات رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و بعد از ایشان دوست بدارد» (شیبانی، ۱۴۰۳، ۶۵۸/۲). «أَنَّ السَّعِيدَ حَقَّ السَّعِيدِ مَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا فِي حَيَاتِهِ وَبَعْدَ مَوْتِهِ وَإِنَّ الشَّقِيَّ كُلَّ الشَّقِيَّ مَنْ أَبْغَضَ عَلِيًّا فِي حَيَاتِهِ وَبَعْدَ مَوْتِهِ؛ خُوشْبَخْتِ كَمَلِ كَسِي اسْتِ كِه عَلِي رَا دَر زَمَانِ حَيَاتِ رَسُولِ خُودَا وَ پَسِ اَز آن دُوسْتِ بَدَارِد. آگَاهِ بَاشِيْدِ هَمَانَا بَدِ بَخْتِ كَمَلِ كَسِي اسْتِ كِه عَلِي رَا دَر زَمَانِ حَيَاتِ رَسُولِ خُودَا وَ پَسِ اَز آن دُشْمَنِ بَدَارِد» (طبرانی، ۱۴۰۴، ۴۱۵/۲). «أُمَّ سَلَمَةَ تَقُولُ أَشْهَدُ أَنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ مَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا فَقَدْ أَحَبَّنِي وَمَنْ أَبْغَضَ عَلِيًّا فَقَدْ أَبْغَضَنِي وَمَنْ أَبْغَضَنِي فَقَدْ أَبْغَضَ اللَّهَ؛ ام سلمه می‌گوید: از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ شنیدم که فرمود: هرکس علی را دوست بدارد مرا دوست داشته است و هرکس مرا دوست بدارد مسلماً خدا را دوست داشته و هرکس بغض علی را داشته باشد بغض مرا در دل داشته است و هرکس بغض مرا در دل داشته باشد با خدا دشمنی کرده است» (طبرانی، ۱۴۰۴، ۳۸۰/۲۳).

«قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ مَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا مَحْيَاً وَوَمَاتَهُ كَتَبَ اللَّهُ تَعَالَى لَهُ الْأَمْنَ وَالْإِيمَانَ مَا ظَلَعَتِ الشَّمْسُ وَمَا غَرَبَتْ وَمَنْ أَبْغَضَ عَلِيًّا مَحْيَاً وَوَمَاتَهُ فَمِيتَتُهُ جَاهِلِيَّةٌ وَ حُوسِبَ بِمَا أُخْدِتَ فِي الْإِسْلَامِ؛ هرکس علی را در زمان حیات و بعد از حیات او دوست داشته باشد تا زمانی که خورشید طلوع و غروب کند خداوند برایش امن و ایمان می نویسد و هرکس علی را در زمان حیات او و پس از آن دشمن بدارد به مرگ جاهلیت خواهد مرد گویا اسلام تازه ظهور کرده بوده است» (الجزری، ۱۴۱۷، ۴۸۸/۵). نتیجه این است که اگر کسی بگوید دوستی و دشمنی چه ربطی به ولایت و امامت دارد، گفته می شود: «همان ارتباطی که اجر رسالت رسول با مودت اهل بیت رسول ﷺ دارد». ولایت و امامت در زمان رسول خدا ﷺ با نصب الهی با نقل رسول خدا ﷺ غیر منفک از امام علی علیه السلام بوده است. دوستی با امام علی علیه السلام و دشمنی با او چیزی جز اقرار به خلافت او بعد از رسول خدا ﷺ نیست.

۴-۲. دشمنی با ولایت، امضای ولادتی ناپاک

در روایات، دوستی اهل بیت علیهم السلام دلیل بر پاک بودن ولادت معرفی شده است: «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنِ عَنِّ أَبِيهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مَنْ أَحَبَّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ فَلْيَحْمِدِ اللَّهَ عَلَى أَوْلَى النَّعْمِ قُلْتُ وَ مَا أَوْلَى النَّعْمِ قَالَ طَيْبُ الْوِلَادَةِ وَلَا يَجِبُنَا إِلَّا مَنْ طَابَتْ وِلَادَتُهُ؛ رسول ﷺ فرمود: «هرکس ما اهل بیت را دوست بدارد، لازم است که خدا را بر برترین نعمت شکر گوید. پرسیدند برترین نعمت چیست. حضرت فرمود: ولادت پاک ما اهل بیت را جز کسی که دارای ولادت پاک است دوست نمی دارد» (برقی، ۱۳۷۱، ۱۳۸/۱). «يا عَلِيُّ مَنْ أَحَبَّكَ وَوَالَاكَ أَحَبَّنُهُ وَوَالَيْتُهُ وَ مَنْ أَبْغَضَكَ وَ عَادَاكَ أَبْغَضْتُهُ وَ عَادَيْتُهُ لِأَنَّكَ مِنِّي وَ أَنَا مِنْكَ يَا عَلِيُّ إِنَّ اللَّهَ طَهَّرَنَا وَ اضْطَفَانَا لَمْ يَلْتَقِ لَنَا أَبْوَانٌ عَلَى سِفَاحٍ قَطُّ مِنْ لَدُنْ آدَمَ فَلَا يَجِبُنَا إِلَّا مَنْ طَابَتْ وِلَادَتُهُ يَا عَلِيُّ أَنْبَشِرُ بِالشَّهَادَةِ فَإِنَّكَ مَظْلُومٌ بَعْدِي وَ مُقْتُولٌ فَقَالَ عَلِيُّ ع يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ ذَلِكَ فِي سَلَامَةٍ مِنْ دِينِي قَالَ فِي سَلَامَةٍ مِنْ دِينِكَ يَا عَلِيُّ إِنَّكَ لَنْ تَضِلَّ وَ لَمْ تَزَلْ وَ لَوْلَاكَ لَمْ يَعْرِفْ حِزْبُ اللَّهِ بَعْدِي؛ ای علی هرکس تو را دوست بدارد و موالات تو را برگزیند من او را دوست دارم و موالات او را برمی گزینم و هرکس بغض تو را در دل بگیرد و با تو دشمنی ورزد من بغض او را خواهم داشت و دشمن اویم. چون تو از من هستی و من از تو». حدیث می فرماید: «ما

را جز کسی که دارای ولادت پاک است، دوست نمی‌دارد». سپس رسول ﷺ به علی علیه السلام خبر شهادت جانسوز و مظلومانه ایشان را می‌دهد و در آخر می‌فرماید: «حزب الله بعد از من جز به واسطه تو شناخته نمی‌شود» (صدوق، ۱۴۳۰، ص ۳۶۸).

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «لَا يَبْغِضُنَا إِلَّا مَنْ خَبِثَتْ وِلَادَتُهُ أَوْ حَمَلَتْ بِهِ أُمُّهُ فِي حَيْضِهَا؛ جز کسی که دارای ولادت ناپاک است یا مادرش در حیض به او باردار شده است با ما دشمنی نمی‌کند». (صدوق، ۱۴۱۳، ۹۶/۱) «أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ لَعَلَى رِضَى اللَّهِ عَنْهُ لَا يَجُوبُكَ إِلَّا الْمُؤْمِنُ وَلَا يَبْغِضُكَ إِلَّا مُنَافِقٌ؛ رسول خدا ﷺ به علی علیه السلام فرمود: جز مؤمن تو را دوست نمی‌دارد. جز منافق با تو دشمن نیست» (عبدالبر، ۱۴۱۲، ۱۱۰۰/۳). «عَنْ عَدِي بْنِ ثَابِتِ الْأَنْصَارِيِّ عَنِ الْبِرَاءِ عَنِ النَّبِيِّ ﷺ أَنَّهُ قَالَ فِي الْأَنْصَارِ لَا يَجُوبُهُمْ إِلَّا الْمُؤْمِنُ وَلَا يَبْغِضُهُمْ إِلَّا مُنَافِقٌ مَنْ أَحَبَّهُمْ أَحَبَّهُ اللَّهُ وَمَنْ أَبْغَضَهُمْ أَبْغَضَهُ اللَّهُ؛ عدی بن ثابت انصاری حدیثی را مستقیماً از براء نقل می‌کند که حضرت رسول ﷺ در جمع انصار فرمود: جز مؤمن اهل بیت علیهم السلام را دوست ندارد و جز منافق، دشمن آنان نیست. هرکس اهل بیت را دوست داشته باشد خداوند دوستش دارد و هرکس اهل بیت را دشمن بدارد خداوند او را دشمن می‌دارد» (حمیدی، ۱۴۲۳، ۵۲۸/۱). اصرار بر دورویی در دین و معاشرت با مؤمنین جز از کسانی که ولادت ناپاک درآند، دیده نمی‌شود وگرنه کسی که طینت پاک داشته باشد زودتر به اشتباه خود معترف می‌شود و توبه می‌کند.

۴-۳. تولی به ولایت امام، شرط تحقق هدایت

همان‌طور که هرکس عامدانه ولایت علی علیه السلام را انکار کند دچار عذاب می‌شود هرکس عامدانه ولایت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الیه را انکار کند نصیبش آتش خواهد بود. وقتی خبر «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ» به حارث بن نعمان رسید بر شترش سوار شد و خدمت رسول خدا ﷺ رسید و گفت: «ای محمد، به ما امر نمودی اینکه خدا را یگانه بدانیم و تو را رسول بدانیم و خمس بدهیم و زکات بپردازیم و ماه رمضان روزه بگیریم. همه را از تو پذیرفتیم. گفتی: حج به جا بیاوریم، انجام دادیم. راضی نباش که پسر عمویت بر ما برتری داشته باشد. آیا این را از خودت گفتی یا از جانب خداست؟» رسول خدا ﷺ فرمود: «قسم به خدایی که جز او خدایی نیست از جانب خداست».



حارث پشت به ایشان نمود «درحالی که می‌گفت: خدایا اگر محمد حق می‌گوید بر من سنگی از آسمان فرو فرست یا عذابی دردناک نصیبم کن». قسم به خدا هنوز به ناقه خود نرسیده بود که خداوند او را با سنگی زد و بر سر او چنان خورد [که مغزش از مخش بیرون زد] و او را کشت. سپس آیه اول سوره معارج: «سأل سائل بعذاب واقع» نازل شد (انصاری خزرجی، ۱۳۸۴، ۲۷۸/۱).

۴-۴. دشمنی با ولایت امام علیه السلام خلود در آتش

خوارزمی در المناقب از قول رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده است: «ای علی، اگر بنده‌ای به اندازه‌ای که نوح علیه السلام در میان قوم خود بود خدای عزوجل را عبادت کند مانند کوه احد طلا داشته باشد و در راه خدا انفاق کند و عمرش طولانی شود تا این که هزار حج پیاده انجام دهد، سپس بین صفا و مروه مظلوم کشته شود و تو را ای علی! دوست نداشته باشد بوی بهشت را استشمام نمی‌کند». (خوارزمی، ۱۴۱۱، ۶۷/۴۰) عدم استشمام بوی بهشت معنایی جز این ندارد که مخلد در جهنم خواهد بود و این همان معنایی بود که روایات شیعه به آن اشاره کردند که عدم پذیرش ولایت علی علیه السلام خلود در آتش است و چون ولایت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الیه امتداد ولایت امام علی علیه السلام است عدم پذیرش ولایت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الیه هم باعث خلود در آتش است. همان طور که روایاتی که دوران با شکوه ظهور را به تصویر می‌کشند این امر را نشان می‌دهند. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «ما لمن خالفنا فی دولتنا من نصیب، ان الله قد احل لنا دماء هم عند قیام قائمنا، فالیوم محرم علینا وعلیکم ذلک، فلا یعزک احد؛ هرکس مخالف ما باشد کشتن او لازم است، ولی بر ما و شیعیان ما جایز نیست که امروز به آن عمل کنند و این حکم مخصوص دوران قیام قائم ما اهل بیت علیهم السلام است» (مجلسی، ۱۳۸۶، ۳۷۵/۵۲). از جمله احکام ظهور آن است که از اهل کتاب جزیه قبول نکنند و آن را میان اسلام آوردن و یا کشته شدن مخیر کند (کامل، ۱۳۸۶، ۵۱۲/۱).

۵. نتیجه‌گیری

باتوجه به تحلیل برخی از متون زیارت سرداب در نوشتار حاضر، شرط قبول اعمال انسان پذیرش ولایت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الیه است که سلاله و چکیده رسالت همه انبیا و هدف از خلقت

ازل تا ابد زندگی زمینی است. همه انبیا به پیامبر آخرالزمان توصیه کرده‌اند و پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به دوازده جانشین معصوم خود درباره امام مهدی و آخرالزمان توصیه کرده است. همه معصومین عَلَيْهِمُ السَّلَام نیز به امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَام سفارش کرده‌اند؛ زیرا ولایت امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام ادامه خلیفه الهی خدا در زمین است. همراهی و سلوک با ولی عصر عَلَيْهِ السَّلَام بر هر مسلمانی واجب است؛ زیرا راه غیر از آن، جز هلاکت نتیجه‌ای ندارد. ولایت امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام جریان توحید در زمین است و هرکس از این مسیر خارج شود از توحید بازمانده است.



فهرست منابع

- * قرآن کریم (۱۳۸۸). مترجم: مکارم شیرازی، ناصر. تهران: مرکز طبع و نشر قرآن.
۱. اخطب خوارزم، موفق بن احمد (۱۴۱۱). المناقب خوارزمی. قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۲. الانصاری الخزرجی، أبو عبد الله محمد بن أحمد بن أبي بكر بن فرح شمس الدين القرطبي (۱۳۸۴). الجامع لاحکام القرآن تفسیر القرطبي. قاهره: دار الکتب المصریه.
۳. الجزری، عزالدین بن الاثیرابی الحسن علی بن محمد (۱۴۱۷). اسد الغابه فی معرفه الصحابه. تحقیق: عادل احمد الرفاعی. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۴. الحمیدی، محمد بن فتوح (۱۴۲۳). الجمع بین الصحیحین البخاری و مسلم. بیروت: دار النشر.
۵. السیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، جلال الدین (۱۴۰۴). الدر المنثور فی تفسیر المأثور. بیروت: دار الفکر.
۶. الشیبانی، احمد بن حنبل ابو عبدالله (۱۴۰۳). فضائل الصحابه. تحقیق: د. وصی الله محمد عباس. بیروت: مؤسسه الرساله.
۷. الطبرانی، سلیمان بن احمد بن ایوب ابوالقاسم (۱۴۰۴). المعجم الکبیر. تحقیق: حمدی بن عبدالمجید السلفی الموصول. موصول: مکتبه الزهراء.
۸. الهندی، علاءالدین علی المتقی بن حسام الدین (۱۴۱۹). کنز العمال فی سنن الاقوال والافعال. تحقیق: محمود عمر الدمیاطی. بیروت: دار الکتب العلمیه.
۹. برقی، احمد بن محمد بن خالد (۱۳۷۱). المحاسن. قم: دار الکتب الاسلامیه.
۱۰. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۶۰). منشور جاوید. تهران: انتشارات امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام.
۱۱. سجادی، جعفر (۱۳۷۰). فرهنگ اصطلاحات و تعبیرات عرفانی. تهران: طهوری.
۱۲. صدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن حسین بن بابویه (۱۴۰۳). الخصال. قم: جامعه مدرسین.
۱۳. صدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن حسین بن بابویه (۱۴۱۳). من لایحضره الفقیه. مصحح: غفاری، علی اکبر. قم: دفتر انتشارات وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۱۴. صدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن حسین بن بابویه (۱۴۳۰). الأمالی. بیروت: مؤسسه الاعلمی.
۱۵. صفار، ابوجعفر محمد بن حسن فروخ (۱۴۰۴). بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد (ص). قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
۱۶. طبرسی، ابومنصور احمد بن علی (۱۳۸۶). الاحتجاج علی اهل اللجاج. نجف: دار النعمان.

۱۷. عبد آلبر، یوسف بن عبد الله بن محمد (۱۴۱۲). الاستيعاب في معرفه الاصحاب. تحقيق: علي محمد البجاو. بيروت: دار الجيل.
۱۸. قرشي، مسند شمس (۱۴۰۷). الاخبار المنتقى من كلام النبي المختار. بيروت: مؤسسه الاعلمی.
۱۹. قمی، عباس (۱۳۸۶). مفاتيح الجنان. قم: انتشارات بنی الزهرا.
۲۰. کامل، سلیمان (۱۳۸۶). يوم الخلاص في ظل القائم المهدي. تهران: نشرآفاق.
۲۱. کلبینی، محمد بن یعقوب (۱۳۷۵). الکافی. تهران: الاسلامیه.
۲۲. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۳۸۶). بحار الانوار الجامعه لدرر الاخبار الائمه الاطهار. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۳. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۷). اخلاق در قرآن. قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب علیه السلام.
۲۴. واعظ موسوی، حکیمه (۱۴۰۰). مهدی علیه السلام واسطه فیض در منابع شیعه و اهل سنت. نشریه موعود پیژوهی، سال سوم، شماره ۵، ۶۳-۷۹.

